

## ■ (ب) وقوع رجعت در آینده

چنان که اشاره شد، دسته‌ای از آیات قرآن کریم بر وقوع رجعت در آینده و قبل از قیامت دلالت می‌کند. این دسته از آیات، هرچند به تنهایی صریح در رجعت نیست، اما به کمک روایاتی از پیشوایان معصوم (ع) در ذیل تفسیر آنها وارد شده است، به روشنی می‌توان دریافت که این آیات، بیانگر رجعت به همان معنایی است که شیعیان بدان قائلند. این دسته آیات نیز فراوان است، ولی به اختصار به ذکر یک آیه بسنده می‌شود:

از جمله آیاتی که بیش دیگر آیات قرآنی برای اثبات رجعت بدان تمسک شده است، آیه «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»<sup>(۱)</sup> روزی که از هر امتی، گروهی از آنها که آیات ما را تکذیب می‌کنند محشور می‌کنیم.

گفته می‌شود که واژه «من» در این آیه شریفه، برای بیان تبعیض است؛ بنابراین، طبق این آیه، روزی فراخواهد رسید که خداوند از هر امتی، گروهی را محشور می‌گرداند و از آنجا که خداوند در وصف قیامت می‌فرماید: در آن روز، همه را محشور می‌کنیم و احدی را فروگذار نخواهیم کرد «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»<sup>(۲)</sup> معلوم می‌شود که این روز، غیر از روز قیامت است.<sup>(۳)</sup> و آن همان روزی است که شیعیان از آن به روز رجعت تعبیر می‌کنند.

استدلال به این آیه شریفه برای اثبات رجعت، بدان گونه که گذشت، مورد توجه و تأیید پیشوایان معصوم (ع) نیز بوده است؛ زیرا براساس روایات زیادی ائمه معصومین (ع) نیز برای اثبات رجعت، به این آیه شریفه استدلال می‌کرده‌اند؛ مثلاً:

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «اما پاسخ کسانی که رجعت را انکار کنند، این آیه شریفه است که می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» که مربوط به این دنیاست، اما در مورد برانگیخته شدن آخرت، آیه «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»<sup>(۴)</sup> می‌باشد.<sup>(۵)</sup>

از امام صادق (ع) روایات متعددی در تأویل این آیه شریفه در مورد رجعت رسیده است. از جمله این روایت است که:

ابوبصیر گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «ان العامة تزعم ان قوله تعالى: و يوم نخشرون كل امة فوجا، عنى في يوم القيامة. فقال ابو عبدالله (ع): فيحشرالله يوم القيامة من كل امة فوجاً و يدع الباقين؟ لا و لكنته في الرجعة. و اما آية القيامة: «و حشرناهم فلم نغادر منهم احداً»<sup>(۶)</sup> اهل سنت در مورد

# فالسنة

عسکری اسلامپور کریمی

قسمت دوم

# در نظام تبعی

■ استدلال دانشمندان شیعه به آیه (۸۳، نمل)

عده زیادی از بزرگان و صاحب‌نظران شیعه نیز به پیروی از امامان معصوم (ع) برای اثبات رجعت، به آیه یادشده استدلال کرده‌اند؛ برای مثال:

مرحوم شیخ مفید می‌گوید: خداوند متعال گروهی از امت محمد (ص) را بعد از مرگ و قبل از قیامت، زنده می‌کند و این مذهبی است که به آل محمد (ص) اختصاص دارد و خداوند از حشر اکبر (قیامت) خبر داده است که «همه را محشور می‌کنیم و از کسی چشم‌پوشی نمی‌کنیم»<sup>(۱)</sup>

و درباره حشر رجعت فرموده است: «وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا ...» پس خداوند از دو حشر خبر داده است: یکی حشر خاص و دیگری حشر عام.<sup>(۲)</sup>

از دیگر اندیشمندان شیعه که به این آیه برای اثبات رجعت استدلال کرده‌اند، می‌توان علی بن ابراهیم قمی،<sup>(۳)</sup> ملا محسن فیض کاشانی،<sup>(۴)</sup> قاضی ابن بزاج،<sup>(۵)</sup> امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی،<sup>(۶)</sup> حسن بن سلیمان حلی،<sup>(۷)</sup> شیخ حرعاملی،<sup>(۸)</sup> سید هاشم بحرانی<sup>(۹)</sup> را نام برد؛ البته مفسران معاصر نیز این آیه شریفه را بیانگر رجعت در آخر الزمان دانسته‌اند؛ چنان که مفسر گرانقدر شیعه، علامه طباطبایی (ره)، درباره این آیه شریفه می‌فرماید: «از ظاهر آیه برمی‌آید که حشر در آن، حشر در غیر روز قیامت است؛ زیرا حشر در قیامت، اختصاص به

سخن خداوند (متعال) که می‌فرماید: «روزی که از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم»، می‌پندارند که منظور، روز قیامت است.

حضرت فرمود: «ایا خداوند در روز قیامت گروهی را برمی‌انگیزد و گروه دیگری را وا می‌گذارد؟ چنین نیست؛ بلکه منظور آیه از حشر گروهی از هر امتی، در روز رجعت است و ایه قیامت آن است که حق تعالی می‌فرماید: همه را محشور می‌کنیم و از کسی چشم‌پوشی نمی‌کنیم.»

آن حضرت در تفسیر این آیه شریفه فرمود: «انما يرجع إلى الدنيا عند قيام القائم (ع) من محض الايمان محضاً، أو محض الكفر محضاً، فأما ما سوی هذين، فلا رجوع لهم إلى يوم المآب»<sup>(۱)</sup> همانا کسانی که مؤمن خالص و یا کافر مطلق باشند، هنگام ظهور قائم (عج) به دنیا برمی‌گردند، ولی غیر از این افراد تا روز قیامت کسی به دنیا بر نمی‌گردد.

همچنین در کتاب «مهدي موعود» آمده است که تفسیر آیه ۵۴ از سوره مؤمن را انما لننصر رسولنا والذين آمنوا في الحيوۃ الدنيا و يوم يقوم الاشهد؛ ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در دنیا و روزی که شهیدان برمی‌خیزند، یاری می‌کنیم.

از امام صادق (ع) پرسیدند، فرمود: به خدا قسم، این در رجعت است. نمی‌دانی که بسیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند و کشته شدند و ائمه هم کشته شدند و کسی آنها را یاری نکرد؟ تأویل این آیه در رجعت است.<sup>(۲)</sup>

## از قیامت (رجعت) باشد.

اما مفسران اهل سنت معمولاً این آیه را ناظر به قیامت می‌دانند. و ذکر کلمه «فوج» را اشاره به رؤساء و سرمداران هر گروه و جمعیت می‌شمرند و در مورد ناهماهنگی آیات که از این تفسیر برمی‌خیزد، گفته‌اند: آیات در حکم تأخیر و تقدیم است و گوئی آیه ۸۳ بعد از ۸۵ قرار گرفته باشد! ولی می‌دانیم هم تفسیر فوج به معنی مزبور خلاف ظاهر است، و هم تفسیر ناهماهنگی آیات به تقدیم و تأخیر.

سرانجام این گروه را به پای محاسبه می‌آورند و خداوند به آنها می‌فرماید: «خَتَّى إِذَا جَاءُو قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِتَأْتِي وَ لَمْ تَحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>(۱۶)</sup> اما زمانی که (به پای حساب) می‌آیند به آنها می‌فرماید: آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق بر نیامدید، شما چه اعمالی انجام می‌دادید.

در حقیقت از آنها دو چیز سؤال می‌شود یکی از تکذیب بدون تحقیقشان، و دیگر از اعمالی که انجام می‌دادند.

اگر آیه مزبور درباره قیامت و رستاخیز باشد، مفهومی معلوم است و اما اگر اشاره به مسئله رجعت باشد چنان‌که هماهنگی آیات ایجاب می‌کند اشاره به این است که به هنگام بازگشت گروهی از بدکاران به این جهان، کسی که نماینده خدا و ولی امر است، آنها را مورد بازپرسی قرار می‌دهد، سپس به مقدار استحقاقشان آنها را مجازات دنیوی می‌کند، و این مانع از عذاب آخرت آنها نخواهد بود، چنان‌که بسیاری از مجرمان، حد شرعی در این جهان می‌خورند و در صورت عدم توبه، در آخرت نیز مجازاتشان محفوظ است.<sup>(۱۷)</sup>

به هر صورت، این آیه شریفه (۸۳نمل) یکی از روشترین آیات رجعت است، چون در روز قیامت همه مردم بدون استثناء برانگیخته می‌شوند، ولی در این آیه از روزی گفتگو شده که در آن فقط شماری از هر قوم برانگیخته خواهند شد.

بنابراین، این آیه شریفه مربوط به قیامت نیست؛ چون در قیامت همه محشور می‌شوند، نه از هر گروهی فوجی؛ پس این آیه شریفه، دلیل محکمی بر وقوع رجعت در دوران حکومت حضرت مهدی (عج) است.

از مطالب یادشده به خوبی نتیجه می‌گیریم که:

۱- رجعت در امتهای پیشین واقع شده است.

۲- آنچه در امتهای پیشین واقع شود، در امت اسلامی نیز واقع خواهد شد.

«فوج» چنان‌که راغب در «مفردات» می‌گوید، به معنی گروهی است که به سرعت حرکت می‌کنند.

«بوزعون»، به معنی نگهداشتن جمعیت است؛ به طوری که گروهی به گروه دیگر ملحق شوند، و این تعبیر معمولاً در مورد جمعیت‌های زیاد گفته می‌شود. بنابراین، مستفاد از مجموع این آیه شریفه این است: که روزی فراخواهد رسید که از هر قوم و جمعیتی، خداوند گروهی را محشور می‌کند و آنها را برای مجازات و کیفر اعمالشان آماده می‌سازد.

بسیاری از بزرگان این آیه را اشاره به مسئله رجعت و بازگشت گروهی از بدکاران و نیکوکاران به همین دنیا در آستانه رستاخیز می‌دانند، در حالی که اگر اشاره به خود رستاخیز و قیامت باشد، تعبیر به «من کل امة فوجاً»: از هر جمعیتی گروهی، صحیح نیست؛ زیرا در قیامت، همه محشور می‌شوند؛ چنان‌که آیه ۴۷ سوره کهف می‌فرماید: «و حشرناهم فلم نغادر منهم احداً؛ ما آنها را محشور می‌کنیم و احدی را ترک نخواهیم گفت.»

شاهد دیگر این است که قبل از این آیه سخن از نشانه‌های رستاخیز در پایان این جهان بود، در آیات آینده نیز به همین موضوع اشاره می‌شود، بنابراین بعید به نظر می‌رسد که آیات قبل و بعد از حوادث پیش از رستاخیز سخن گوید، اما آیه وسط از خود رستاخیز، هماهنگی آیات ایجاب می‌کند که همه درباره حوادث قبل

یک گروه از هر امت ندارد؛ بلکه تمامی امتها در آن محشور می‌شوند و حتی به حکم آیه «و حشرناهم فلم نغادر منهم احداً»، از یک نفر هم چشم‌پوشی نمی‌شود، و اما در این آیه می‌فرماید: از هر امتی فوجی را محشور می‌کنیم....»

وی سپس در تأیید این که نظر قرآن حشری غیر از قیامت است، می‌نویسد: «و باز مؤید گفتار ما که منظور حشر در قیامت نیست، این است که این آیه و دو آیه بعدش، بعد از داستان بیرون شدن ذابّه از زمین واقع شده‌اند که خود یکی از علائمی است که قبل از قیامت واقع می‌شود؛ قیامتی که در چند آیه بعد درباره آن می‌فرماید: «و نغخ فی الصور» و تا چند آیه بعد، اوصاف وقایع آن روز را بیان می‌کند و معنا ندارد که قبل از شروع به بیان اصل قیامت و وقایع آن، یکی از وقایع آن را جلوتر ذکر کنند؛ چون ترتیب وقوعی اقتضا کند که اگر حشر فوج از هر امتی هم جزو وقایع قیامت باشد، آن را بعد از مسئله نغخ صور ذکر فرماید؛ ولی این طور ذکر نکرد؛ بلکه قبل از نغخ صور، مسئله حشر فوج از هر امتی را آورده، پس معلوم می‌شود این حشر، جزو وقایع قیامت نیست.»<sup>(۱۸)</sup> همچنین فقیه و مفسر متأله، حضرت آیت الله مکارم شیرازی، در «تفسیر نمونه» می‌نویسد:

«حشر»، به معنی کوچ دادن و خارج کردن گروهی از مقرشان و حرکت دادن آنها به سوی میدان جنگ یا غیر آن است.

۳- دهها آیه از قرآن کریم از وسیع رجعت در امت اسلامی خبر داده است. چند مورد در امت اسلامی واقع شده و هزاران مورد دیگر پس از قیام قائم (عج) واقع خواهد شد. بنابراین، هرکس به قرآن و آورنده آن ایمان داشته باشد، راهی ندارد جز این که لزوم وقوع رجعت را نیز باور کند.

### ■ رجعت در کتب مقدس پیامبران قبل از اسلام

همان طور که اشاره شد، اعتقاد به رجعت در امتهای گذشته، تنها اختصاص به قرآن کریم ندارد، بلکه در برخی از کتب آسمانی ادیان دیگر نیز اشاراتی به رجعت شده است. از این رو باید گفت: اعتقاد به رجعت و بازگشت گروهی از مردگان پیش از رستاخیز همگانی، پیشینه‌ای بس طولانی دارد که در همه ادیان آسمانی به نمونه‌هایی از آن برمی‌خوریم، اینک به سه نمونه از سه آیین معروف: «یهود»، «نصرانی»، «مجوسی» اشاره می‌گردد.

### ■ رجعت در عهد عتیق و جدید (تورات)

از جمله حکایاتی که در کتب مقدس عهد عتیق آمده، داستان «الیسع» نبی است که در کتاب او پادشاهان ذکر شده است و او یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است که کرامات و معجزات فراوانی از او نقل شده و در دعای «ام داود» و مناظرات امام رضا(ع) با علمای یهود و مسیح از آن استدلال شده است.

در عهد عتیق داستان زنده شدن طفلی به دست «الیسع» که در قرآن از او به عنوان «السع» یاد شده است، چنین نقل شده است: پس ایسع به خانه داخل شد دید که طفل مرده و بر بستر او خوابیده است، چون داخل شد در را بر هر دو بست و نزد خداوند دعا نمود و برآمده بر طفل دراز شد و دهان خود را بر دهان وی و چشم خود را بر چشم او، دست خود را بر دست او گذاشته و بر او خم شد، گوشت سر گرم شد و طفل هفت مرتبه عطسه کرد پس چشمان خود باز کرد.<sup>(۳۱)</sup>

امام رضا در مناظره خود با یکی از علمای مسیحی که زنده کردن مردگان و شفای بیماران را نشانه خدایی عیسی(ع) می‌دانست، فرمود: ایسع هم از این کارها می‌کرد، روی آب راه می‌رفت، مرده زنده می‌کرد، کور مادرزاد و پیسی را شفا می‌داد، اما امتش وی را خدا نخواندند و هیچ‌کس او را نپرستید.<sup>(۳۲)</sup>

این داستان که به زنده شدن پسری به دست ایلیا اشاره دارد: پسر آن زن که صاحب

خانه بود بیمار شد و مرض او چنان شد که نفس در او باقی نماند مرد و به ایلیا گفت: ای مرد خدا مرا با تو چه کار است؟ آیا نزد من آمدی تا گناه مرا به یاد آوری و پسر مرا بکشی؟ او وی را گفت: پسرت را به من بده پس او را از آغوش وی گرفته بالای خانه که در آن ساکن بود برد و او را بر بستر خود خوابانید و نزد خداوند استغاثه نمود گفت: ای بیهوده خدای من! مسألت این که جان این پسر به وی برگردد و خداوند آواز ایلیا را اجابت نمود و جان پسر وی برگشت که زنده شد.<sup>(۳۳)</sup>

در کتاب «دانیال نبی» باب دوازدهم نیز آمده است:

«بسیاری از آنان رکه در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت زندگی جاوداتی، و آنان به جهت خجالت و حقارت جاوداتی». در ادامه همان میحث آمده است: «اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر شهر کن.»<sup>(۳۴)</sup>

و در پایان این فصل آمده است: «خوشابه حال آن که انتظار کشید.»<sup>(۳۵)</sup>

پدر «آنتونیو دوژوزو» از کشور پرتغال، رئیس قبلی دیر آگوستینیهای اصفهان، که در نیمه اول قرن دوازدهم، در اصفهان مقیم بود و پس از تشریف به اسلام، به عنوان «علی قلی جدیدالاسلام» مشهور شد، در کتاب ارزشمندی که به عنوان شرح و نقد سیفر پیدایش تورات نوشته، فراز بالا را از دلایل روشن رجعت بیان کرده است.<sup>(۳۶)</sup>

در کتاب «مکاشفه یوحنا ی رسول» آمده است: «انسان که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند، زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. این است قیامت اول. خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد. بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد.»<sup>(۳۷)</sup>

پدر «آنتونیو دوژوزو» در مورد این فراز نیز به تفصیل بحث کرده و دلالت آن را بر اثبات رجعت توضیح داده است.<sup>(۳۸)</sup>

### ■ رجعت در انجیل

در عهد جدید انجیل حکایتی درباره زنده شدن دختری به دست حضرت عیسی(ع) نقل شده است: سرپرست عبادتگاه آن محل رسید و او (عیسی) را پرستش کرد و گفت: دخترم همین الان فوت کرد، ولی استدعا دارم بیاید و داستان

را روی او بگذارید تا زنده شود پس عیسی و شاگردان به طرف خانه او راه افتادند. وقتی عیسی به خانه سرپرست کنیسه رسید و با گروه نوحه خوانها و مردم مضطرب روبه‌رو شد، فرمود: همه‌تان بیرون بروید این دختر نمرده، خوابیده است.

سرانجام وقتی همه بیرون رفتند، عیسی در داخل اطاق رفت دست دختر را گرفت و دختر صحیح و سالم از جا بلند شد.<sup>(۳۹)</sup>

یا داستان زنده شدن فرزند آن بیوه زن که دهی از فوت او در عزا و ماتم شد و حضرت عیسی(ع) که دلش برای داغ دیده سوخته بود به امر پروردگار پسر را زنده کرد.<sup>(۴۰)</sup> و یا داستان زنده کردن «ایلعازر» که چهار روز از مرگش گذشته بود و او را به خاک سپرده بودند و حضرت عیسی (ع) به خواهش «مرتا» خواهر «ایلعازر»، او را به دنیا بازگرداند.<sup>(۴۱)</sup>

### ■ رجعت در آیین زرتشت

در بخش «یشتها» از کتاب «اوستا» در ضمن فرازهای مربوط به ظهور «سوشیانت» آخرین رهایی‌بخش جهان آمده است: «بدان هنگام که مردگان دگرباره برخیزند و زندگی جاودانه آغاز گردد، «سوشیانت» به درآید و جهان را به آرزوی خویش دگرگون سازد.»<sup>(۴۲)</sup>

از فرازهای بعدی به روشنی معلوم می‌شود که مراد از این زندگی جاوید، رستاخیز نیست؛ بلکه هنگام ظهور رهایی‌بخش آخرین است، چنان‌که می‌گوید: «اینانند که خواستار نو ساختن گیتی هستند، گیتی پیر نشدنی، نمردنی، نگندیدنی، نهوسیدنی، جاودان زنده، جاودان بالنده و کامروا؛ بدان هنگام که مردگان دگرباره برخیزند و زندگانی جاودانه آغاز گردد، سوشیانت به درآید و جهان را به آرزوی خویش دگرگون سازد.»<sup>(۴۳)</sup> با توجه به فرازهای یاد شده روشن می‌شود که اعتقاد به رجعت پیشینه‌ای طولانی داشته و به آیین مقدس اسلام اختصاص ندارد.

فرض عليك القرآن لرادك الي معاد» (۳۱) آن که قرآن را بر تو فرض نمود، تو را به معاد و بازگشتگاه بر می گرداند، فرمودند: «يرجع اليكم نبيكم و امير المؤمنين و الائمه (ع)» (۳۲)؛ پیامبر و علی و همه امامان (ع) به سوی شما باز می گردند.

ناگفته روشن است که مطابق این روایت، منظور از معاد (زمان موعود)، روز رجعت است که در آن زمان پیامبر علی و همه امامان (ع) به دنیا رجعت می کنند. روشن است که منظور از «يرجع اليكم نبيكم»، این نیست که مردم در قیامت و سرای دیگر پیامبر (ص) و علی و همه امامان (ع) را ملاقات می کنند؛ زیرا در این صورت می بایست این گونه تعبیر می شد که «ترجعون الي نبيكم...» علاوه بر این، امام (ع) از آن واقعه، به رجوع تعبیر کرده است و با توجه به این که پیامبر (ص) از دنیا رحلت کرده اند، معنای رجوع در مورد ایشان، بازگشت به دنیا پس از مرگ خواهد بود.

۳- روایاتی که در مورد رجعت پیامبران گذشته وارد شده است. برای مثال، امام صادق (ع) می فرماید: «خداوند هیچ پیامبری را بر نینگیخت، جز آن که همه آنان را بار دیگر به دنیا برمی گرداند تا رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) را یاری دهند» (۳۱)

۴- احادیثی که بیان می کند، یکی از چیزهایی که قبل از قیامت از زمین بیرون می آید «دابة الارض» است و احادیثی داریم که بیان می کند این دابة الارض، امیرالمؤمنین، علی (ع) است.

ابوطفیل می گوید: مطالبی را در مورد رجعت از سلمان و مقداد و ابی بن کعب شنیده بودم، در کوفه به خدمت امام علی (ع) نقل کردم، حضرت همه را تصدیق فرمود: آن گاه یقین من به رجعت، در سطح یقینم به قیامت شد.

از مطالبی که محضر حضرت پرسیدم در مورد «دابة الارض» بود، فرمود: از این پرسش در گذر.

عرض کردم مرا آگاه ساز، فرمود: دابة الارض، جنبنده ای است که غذا می خورد، در بازار راه می رود، ازدواج می کند، پرسیدم: او کیست؟ فرمود: او کسی است که استقرار و آرامش زمین به وسیله اوست، گفتم: کیست؟ فرمود: او کسی است که استقرار و آرامش زمین به وسیله اوست، گفتم: او چه کسی است؟ فرمود: او صاحب زمین است.

گفتم: کیست؟ فرمود: او صدیق امت است. فاروق امت است، ذوالفقار امت است. گفتم: او چه کسی است؟ فرمود: او کسی

قرآینی که اشاره شد، مفید علم است و مجالی برای تردید باقی نمی گذارد، چه رسد به این که همه این احادیث مجتمع شود.

افزون بر آن، صحت روایات رجعت نیازی به قرینه ندارد؛ زیرا این اخبار به حد تواتر معنوی رسیده و حتی از آن هم فراتر رفته است؛ چون اخبار یادشده برای کسانی که قلب خود را از هرگونه شبهه و تقلید پاک کنند، موجب یقین می شود. (۳۲)

۳- محدث جزایری (ره) در شرح «تهذیب» ادعا کرده که ۶۲۰ حدیث درباره رجعت دیده است. (۳۲)

بنابراین، قاطعانه می توان گفت که اصل رجعت از دیدگاه عالمان بزرگ شیعه، امری مسلم و قطعی بوده و با توجه به روایات بسیاری که از پیشوایان معصوم (ع) رسیده است، تردیدی در تحقق رجعت بر جای نمی ماند.

### ■ دسته بندی روایات

روایات رجعت در یک تقسیم بندی به پنج دسته تقسیم می شوند:

۱- گروهی از روایات بیانگر این است که اولین کسی که به دنیا رجعت می کند، حسین بن علی (ع) است.

زید شحام از امام صادق (ع)، نقل می کند که فرمود: «أول من يرجع الي الدنيا، الحسين بن علي (ع)، فيملك في الارض حتى يسقط حاجباه علي عينية من الكبر...» (۳۳) اولین شخصی که به دنیا رجعت خواهد کرد، امام حسین (ع) است. آن حضرت آنقدر در زمین حکومت و رهبری خواهد کرد که از پیری موهای ابروهای او بر روی دیده اش آویخته شود.

۲- روایاتی است که مضمونشان رجعت پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) همه امامان (ع) است.

ابی خالد کابلی از امام سجاد (ع) نقل کرده که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه «ان الذي

### ۳- دلائل روایی

از دیگر دلائلی که حکماء و متکلمین شیعه برای اثبات صحت رجعت بدان تمسک کرده اند، اخبار و روایات اسلامی است. براساس اخبار و روایات فراوانی که از پیشوایان معصوم (ع) درباره رجعت وارد شده است، رجعت در امت اسلامی نیز به طور قطع واقع خواهد شد. این روایات، هرچند از جهت لفظ متواتر نیست، اما از لحاظ معنی به حدی است که نمی توان تواتر معنوی آنها را انکار کرد؛ در این باره اظهار نظر برخی کارشناسان احادیث را مرور می کنیم:

۱- علامه مجلسی که در حدیث شناسی سرآمد همه بزرگان و محدثان است و تتبع و پشتکار وی در گردآوری مجموعه گرانسنگ بحارالانوار و شرح اصول کافی به وضوح دیده می شود، درباره روایات رجعت می نویسد: «کسی که حقایق ائمه اطهار (ع) را باور کرده است، چگونه می تواند درباره مسئله متواتری که از آنان نقل شده و نزدیک به دوپست روایت صریح در این زمینه رسیده و بیش از چهل تن از ثقات و عالمان شیعه آنها را در کتب خود آورده اند، شک داشته و این عقیده را با دیده تردید بنگرد؟... راستی اگر مسئله ای از این قبیل را نتوان از متواترات دانست، پس در کدامین موضوع می توان ادعای تواتر (۳۳) کرد.» (۳۴)

۲- شیخ حر عاملی (ره) نیز که از بزرگترین محدثان قرن دهم هجری بوده در کتاب «الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الزجعة» بیش از پانصد حدیث را که همه صریح در رجعتند، از هفتاد کتاب از آثار بزرگان و اندیشمندان شیعه استخراج کرده است. وی می گوید: صدور احادیث رجعت از ائمه (ع) ثابت است؛ زیرا این احادیث در کتب چهارگانه و دیگر کتابهای معتبر وجود دارد و قراین فراوان قطعی نیز بر صحت اعتقاد به رجعت و صحت روایات آن دلالت می کند؛ به گونه ای که هریک از این احادیث با

است که علم‌الکتاب نزد اوست، او کسی است که آنچه از طرف خدا آمده تصدیق نموده روزی که جز من و محمد به آن کافر بودند که به خدا سوگند منم، گفتم: نامش را بفرمایید. فرمود: گفتم. (۳۲)

خروج «دابة الارض» در روایات اهل سنت به عنوان یکی از علائم قیامت از آن یاد شده است و ویژگی‌هایی برای آن بر شمرده‌اند که بر امام علی (ع) تطبیق می‌کند، ولی تصریحی به نام حضرت نموده‌اند به عنوان نمونه:

- ۱- برای دابة الارض سه خروج است.
- ۲- اولین نشانه، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابة الارض.
- ۳- خروج دابة الارض از مسجد الحرام است.
- ۴- انگشتر حضرت سلیمان (ع)، و عصای حضرت موسی (ع) در دست اوست.
- ۵- دابة الارض مؤمن و کافر را نشان می‌گذارد که برای همه شناخته می‌شود و نشانه‌های دیگر...
- ۶- روایاتی که به تحقق رجعت در امت‌های گذشته اشاره کرده است که عمدتاً در ذیل آیات مربوط به رجعت ذکر شده‌اند.

همچنین روایاتی که در تفسیر آیات: آیه ۸۳ سوره نمل، آیه ۱ سوره مدثر، آیه ۱۴ سوره اعراف، آیه ۳۶ سوره حجر و آیه ۷۹ سوره ص، آیه ۱۳ سوره ذاریات، آیه ۱۲ سوره نازعات، آیه ۲۰ سوره مائده، آیه ۳۹ سوره یونس، آیه ۱۲۴ سوره طه، آیه ۹۵ سوره نمل، آیه ۵ و ۶ سوره قصص، آیه ۱۱ سوره غافر، آیه ۴۴ سوره ق، و آیات بسیار دیگری که در احادیث اهل بیت (ع) به رجعت تفسیر شده است.

علاوه بر تواتر روایات رجعت، در ادعیه و زیارات نیز به رجعت اشاره شده است: از جمله در زیارت جامعه «مؤمن بایابکم، مصدق برجتکم...»، زیارت آل یاسین «و ان رجعتکم حق لا ریب فیها»، زیارت وارث «انسی بکم مؤمن و بایابکم موقن»، زیارت عاشورا «ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (ص)» و دعای عهد «اللهم ان حال بینی و بینة الموت... فاخرجنی من قبری».

#### ۴- اجماع شیعه

عمده‌ترین دلیل قائلان به «رجعت»، اجماع امامیه است: از این رو، علاوه بر ادله نقلی (آیات و روایات) و حکم عقل، علمای شیعه به اجماع و اتفاق نظر علما و بزرگان نیز استدلال کرده‌اند. در موارد فراوانی گفته شد که دانشمندان شیعه در

این موضوع هم نظر هستند و حتی برخی دلیل اصلی بر رجعت را اجماع علمای شیعه دانسته‌اند. شیخ صدوق در کتاب «اعتقادات»، مسئله رجعت را یک مسئله اجماعی دانسته و می‌گوید: «اعتقاد ما (امامیه) در رجعت، این است که آن، حق است.» (۳۳)

شیخ مفید نیز به اجماعی بودن مسئله رجعت تصریح کرده، می‌گوید: «شیعیان به بازگشت بعضی از اموات، قبل از قیامت اتفاق نظر دارند.» (۳۴)

سید مرتضی در آثارش، چندین بار به اجماعی بودن مسئله رجعت اشاره کرده است؛ از جمله در رساله «دمشقیات» می‌گوید: شیعیان اجماع دارند که خداوند، هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) گروهی از دوستان آن حضرت را برای یاری او و جمعی از دشمنانشان را برای عذاب، به دنیا بازمی‌گرداند... (۳۵) همچنین وی در پاسخ پرسشهایی که اهل ری از ایشان کردند، می‌گوید: راه اثبات رجعت، اجماع امامیه است؛ زیرا چنین اجماعی مشتمل بر قول معصوم (ع) است، پس وقوع رجعت، امری قطعی است. (۳۶)

امین الاسلام طبرسی در «مجمع البیان» در پاسخ کسانی که می‌گویند: رجعت به معنای بازگشت دولت است، نه اعیان اشخاص، می‌گوید: رجعت با ظواهر اخبار که درباره آن وارد شده است، اثبات نشده تا تأویل در آن راه داشته باشد، بلکه مستند رجعت، اجماع امامیه است؛ هر چند اخبار نیز مؤید آن است. (۳۷)

برخی از اندیشمندان متأخر امامیه نیز به اجماعی بودن رجعت اشاره کرده‌اند؛ چنان‌که علامه مجلسی در این باره می‌گوید: اعتقاد به رجعت در تمام دوره‌ها مورد اجماع فرقه شیعه بوده و چون خورشید بر تارک آسمان می‌درخشد و کسی را یارای انکار آن نیست. (۳۸)

شیخ حر عاملی می‌نویسد: «فزونوی نویسنده‌گانی که روایات مربوط به رجعت را در کتب مستقل یا غیر مستقل گردآورده‌اند و تعداد آنها از هفتاد کتاب تجاوز می‌کند دلیل بر قطعی بودن اعتقاد به رجعت از دیدگاه شیعه است.» (۳۹) و همچنین محمدرضا مظفر در «عقائد الامامیه» (۵۰) بر همین عقیده است.

بنابراین، یکی دلایل اثبات رجعت، اجماع شیعه امامیه و اتفاق آراء آنان بر این مسئله است. البته اتفاق آراء شیعه حکایت از رأی معصوم (ع) دارد که هر آینه حق و صواب است. ادامه دارد

پس نوشت‌ها:

۱. سوره نمل، آیه ۸۳

۲. سوره کهف، آیه ۳۷

۳. شیخ طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۱۲۰

۴. سوره کهف، آیه ۳۷
۵. سید مرتضی علم الهدی، رساله المحکم و المشابه، ص ۳، شیخ حر عاملی، الايقاظ، ص ۳۷۷: بخارا الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸، و ج ۹۲، ص ۸۶
۶. علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۴: فیض، تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۶: بخارا الانوار، ج ۵۳، ص ۵۲
۷. شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۲۱۵، انبیا الهداة، ج ۳، ص ۵۷۷، باب ۳۲، ف ۵۲، ج ۷۳۶، علامه مجلسی، بخارا الانوار، ج ۶، ص ۲۵۴
۸. علی دوانی، مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بخارا الانوار، علامه مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۲۰۲
۹. سوره کهف، آیه ۳۷
۱۰. شیخ مفید، مسائل سرویه، ص ۳۳، الفصول المختارة، ص ۹۴
۱۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۴
۱۲. فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵
۱۳. ابن براج، جواهر الفقه، ص ۲۵
۱۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۰۵
۱۵. حسن بن سلیمان حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۲۵
۱۶. شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهمجة بالبرهان علی الرجمه، ص ۳۳
۱۷. سید هاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۹۱
۱۸. تفسیر البیضا، ج ۱۵، ص ۵۷۰
۱۹. سوره نمل، آیه ۸۴
۲۰. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۸ - ۵۵۰
۲۱. عهد عتیق، کتاب دوم، پادشاهان، ص ۵۸۰ - ۵۸۱ آیات ۳۳، ۳۸
۲۲. شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهمجة بالبرهان علی الرجمه، ص ۱۱۴
۲۳. عهد عتیق، کتاب دوم، پادشاهان، ص ۵۶۰
۲۴. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب دانیال نبی، باب دوازدهم، فراز دوم - چهارم
۲۵. همان، فراز دوازدهم
۲۶. آنتونیو دوززو، ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش، ص ۳۹۸
۲۷. کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا رسول، باب بیستم، فرازهای ۵ و ۶
۲۸. آنتونیو دوززو، ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش، ص ۳۹۹
۲۹. انجیل عیسی مسیح (ع)، ص ۸۴
۳۰. همان، ص ۸۱ - ۸۰
۳۱. همان، ص ۱۳۰ - ۱۳۱
۳۲. زلمیادیت، کتاب لوست، بخش پشته‌ها، کرده یکم، فراز یازدهم
۳۳. همان، کرده دوم، فراز نوزدهم
۳۴. حدیث «متواتر» حدیثی را گویند که شمار راویان آن به حدی باشد که علم قطعی به صدور آن از پیامبر (ص) یا امام یزیدانیم، به عبارت دیگر: احتمال آن که گروهی از افراد آن را از پیش خود ساخته باشند، نرود. هرگاه لفظ حدیث در نقل‌های مختلف آن یکسان باشد، آن را متواتر لفظی گویند، و اگر مفهوم آن با عبارات گوناگون نقل شود، متواتر معنوی است.
۳۵. بخارا الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴ و ۱۲۳
۳۶. شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهمجة بالبرهان علی الرجمه، ص ۳۶
۳۷. مجتبی فزونوی خراسانی، بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸، مشهد، طوس
۳۸. بخارا الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶
۳۹. سوره قصص، آیه ۸۵
۴۰. بخارا الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶
۴۱. همان، ص ۴۱
۴۲. سلیم بن قیس، اسرار آل محمد (ص) ص ۶۸ الايقاظ من الهمجة بالبرهان علی الرجمه، ص ۳۶۶
۴۳. شیخ صدوق، اعتقادات صدوق، ص ۶۰
۴۴. شیخ مفید، لؤلئذ المقالات، ص ۴۶
۴۵. سید مرتضی علم الهدی، رسائل شریف مرتضی، ج ۳، ص ۱۲۶
۴۶. همان، ج ۱، ص ۱۲۵
۴۷. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۷
۴۸. بخارا الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲ - ۱۲۴
۴۹. الايقاظ من الهمجة بالبرهان علی الرجمه، باب ۲، ص ۳۳
۵۰. محمد رضا مظفر، عقائد الامامیه، ص ۸۱